

برای این است که به روشنفکران اینجاست که یکی از مهمترین فعلی
جبهه خلق برای آزاد کردن بحرین که سابقا مسئول اطلاعات
جبهه عمان بود همان گمنام است که بار اول میباید با
بار بحرینی کردیم.

در بعضی رابطه بدست به یک خبرگزاری در عمان
انتشاره اسم که چند آموز است. در شماره ۲۵ میباید به
خود برای کرد و خالد کردن میباید.

گرم رابطه با روزنامه القادسی که بنا بود با همکاری جبهه
بازمان : جبهه خلق در بحرین و جبهه خلق برای آزادی
عمان و سازمان جریکهای فدایی - خلق و سازمان ما
[میباشد] منتشر شود. میباید که "جبهه ای گریه ای
رفقای فدایی" ظاهر میشود.

در بحث آخری گفتیم چنین است. بنابراین نقل قول معلوم
میشود و نقلی صافی صحت آنها را با کسی دیگر اشتباه
نمیکند. ولی این قسمت یک "توضیح" کوچک است.
مسئله جبهه ایست که آنها باز تیو واقعتا آنها را عوض
کرده اند ذکر کنند. و آن ایست که قرار این جمله را با
در فضای فدایی با رفقای بحرین در بهار و تابستان ۷۵

۹۲

طبع جریکها [برای چاپ در مجله ای که باید نکات مشترک
نظرات انقلابیون منطقه را منویست] و قدیم کرد و بزرگی
گاسکارانه یا کتبه یعنی طرف با خود و ما آنها را کردیم.
پس ازان تازه باین سرانجام دادند که همکاری آنها با ما اصلی
نیست! توصیه این شد که مجله ای که قسمتهای دیگری
میروید یعنی هم شده بود و میباید بعد هم جنگ لبنان و توقف
بسیاری از کارهای انتشاراتی، این نمونه بارز "همکاری"
در عمان بود. کارشکی و توقف شدن مجله. و بالا آنطور از
"انضمای" و سازمان خود سخن میگویند که گوشه اعتراض
کرده اند و اسم آنها را "فروتنی ناشی" از خلوص
گوشه ای است.

در مورد مقاومت فلسطین - تلاش خود یک اعتراضی از
سازمانهای ما با جنبش مقاومت فلسطین در سال ۷۴ و ۷۵
انتاز شد. پس از شروع کار شععی و عدم در خاورمیانه و
اعزام افرادی برای خدمت در جنبش فلسطین و در ابتدای
سال ۱۳۲۹ همکاری مغفی حداقل ما بیشتر شد که هنوز
امکان بحث جزئیات آن نیست. این همکاری مغفی سپس
توام با همکاری خلقی شد و نهایتا سازمان فتح اولین بار

۹۳

با میداد آنها را با استمرار تشویق به ادامه ارتباط کردیم
تا اینکه با لاخره رابطه آنها برقرار شد. ما فکر نمیکنیم
در ایجاد این رابطه گشاهی کردیم یا نه. فکر هم نمیکنیم که
صافی ها هم که ما را حتی قبل از اینکه اسم سازمان
میباشد بین اعلام شود و بعد اسم صاحب اسم و رسم شود
می شتابند. چنان برایشان میباید میباید که ما را
با کسانی که هنوز اسمشان هم اعلام نشده بود میباید میگویند.
بعد هم که صافی میباید در دست شد و خود رابطه مستقل
برقرار کردند تا باینکه امکان برایشان میباید میباید میباید
میباشد بین لگت زبان داشته و یا میباید (ما) بوده باشند که
نگفته باشند چیز جبهه ای نیستند! اما اینتان صافی برای
توجیه بی کفایتی داشت و خود فریب. ولی هنگامیکه خود
فریب بصورت مردم فریب در میباید خلق بیشتر جنبش آور
میشود.

همین مسئله در مورد رفقای بحرین هم که رابطه بسیار
نزدیکی با انقلابیون عمان دارند و بارها از آنها
هنگامی که جبهه عمان و خلیج بکی بود از رهبران و
جبارین جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج بوده اند.

۹۴

گذاشتیم و بعد با رفقای عمان صحبت کردیم و آنها نیز
موافقت کردند (با اینکه در نظر داشتیم انقلابیون فلسطین
هم شرکت کنند بعلمت داشت آنها ممکن نبود) و بعد از
اینکه قرار شد مجله درآید رفقای میباید میباید میباید
شدند و ما هم آنها نکردیم و گفتیم اگر ما هم میباید میباید
شرکت داشته باشیم (دلیل اینکه از ابتدا به آنها نگفته
بودیم این بود که میدانستیم بیای همکاری کار شکی
خواهند کرد). مجله هم قرار بود که به اسم سازمان
بلکه باسم "جنبش خلقی خلق های خلیج" منتشر
شود. و فعلا از این بگذریم که آقایان بخاطر جزو شدن
آنها بدین مسئله ای را که قرار بود صافی میباید و گفته
نشود که گفته از چند سازمانهای تشکیل شده است - و
این یکی از شروط انقلابیون منطقه میباید میباید میباید
آنها بود - او داده اند و یعنی هم بر درونین میباید و
هم صافی. احتیج را میباید. بهر حال گفته میباید
شماره اول مجله را آماده کردیم و بنایخانه فرستادیم. این
در عمان بجای تهیه مطالب موده زحمت کشید و سرما له
میباشد شماره و را که پیش در آمدن مشهور انحرافشان بود.

۹۵

در تظاهرات میرواد و ۴ سازمان ما (در منطقه ایرانی
لشکر کاشین) و رضا شرکت و سفراتی کرد. ادای این
همکاری متقابل می‌شود که در اول نوشته (۳۰ تیر) و (اطلاعه
مسترقاعا) شرح داده‌ام. به تدریج همکاری مادر آن سالها با
سازمانهای مختلف جنبش فلسطین پیوسته جنبه خلق برای
آزادی فلسطین و فتح بیشتر و اورگانیسم توسعه، مادر این
روال چندوجهی دریافتیم که جنبش فلسطین نه تنها در جبهه
نبرد سازمانی است بلکه در داخل هر سازمان نیز جناحهای
معتدلی انقلابی و غیرانقلابی، مواجسته و مستقل کاری و بی‌کار
و... وجود دارد و بنابراین تعاضد های خود را جهت راست
- و از آنجا بهتر تر - کردیم. همه دیگری از انقلابیون ایران
(از اعضاء اولیه سازمان میاهدین که البته در آن زمان هنوز
وابستگی و اسم سازمانی آنها معلوم نبود) نیز تعاضد های
با جمعی از تاج داشتند که تجربه ما و فکر می‌کنیم خود
میاهدین - از این جناح خوب نباشد - حداقل اینست
که در اتهامات و تک و ناحقی که این جناح به میاهدین
می‌زد ما از میاهدین دفاع شدید کرده و بعد آنها را
زندگان حق را حمله کردیم و بعد نیز ترتیب تعاضد

دیگری را برای آنان فراهم آوردیم که فکر می‌کنیم خلاق ترین
بعضی آنها بود و چند بار هم که بعلم بدکاری میاهدین
همین تعاضد هم قطع شد بعد در ایران فرار می‌کردیم و برپوشان
هم می‌آوردیم. (البته اتهامات بسیاری دیگری هم با جناح های
دیگر داشتند که خوب و بدش هم توجه خودشان است) و
همکاری آنها خطهای بدی را ایجاد داشت و جنگانی که
قطع شد بعلمت این نبود که می‌شدند جبهه خارج
کشوری است و بنابراین با میاهدین قطع رابطه می‌کردند
حال از میاهدین خلق که قطعاً از اولین تعاضد ما از سال
۶۷ سازمان اسیریم دارای در منطقه بوده اند (۱) و ما
نقد انتقادی می‌رسانیم که بجه روی اتهامات فوق را به ما
می‌زنند؟ آیا هرگز فکر کرده اند ممکن است کسی شعارهای
باغتر امروز قبل از اعلام وجود میاهدین را بخواند و خیلی
سهل و ساده به کذب و باوی آنها پی ببرد؟ آیا هرگز فکر
کرده اند که برآیند کسانی ممکن است آنقدر اثربخش نباشد
پاشند که چنین کنند؟ (و اگر خوانندگان محترم چرا
رابطه این سازمانها و میاهدین اینهمه دستفروش نوسان
می‌شود؟ حق دارند - ولی جواب به آنرا در پیوسته میاهدین

بسیار است می‌توانند بیایند. کسانی که شیوه و اصول
کارشان اینست که همه ای از آنها بر سر مردم و به بهانه
انراشتی خواهیم کرد در رابطه با هم چنین - هستند -
میاهدین که صرفاً با ایرانیان بد رفتاری نمی‌کنند. با عربها
هم چنین می‌کنند. باید ادوی با حوصله رفتار آنها را با
دیگران دید و قضاوت کرد. در نامه اخیر ظل هم
بوفتشان به مراجع به آنها برای بار دوم توضیح داده
شده است. جواب آنها چه بود؟ هیچ! و اکنون این
"آنها" غیره و باز ندان جواب به سائلی که منسوخ
شد بود و بجای آن آوردن آنها پیش برایش که جبهه می‌بودی
خودش را جای "میاهد" لکن جا می‌زدند! به گام دیگر در
سفراتین

ما میاهدین را به چندین سازمان انقلابی دیگر نیز
که میاز نمیدانیم اسم آنها را بنویسم معرفی کردیم. در
چند مورد بعداً هم تعاضدشان قطع شد - در بقیه منسوخ
اطلاع نداریم. ولی اگر حافظه ایشان باری نکند و باز به
واقعیت ها ملاحظه صفت سر بر آورند به ایشان در هر طرف
شدن جراحه بسیار کثرت می‌کنیم. فعلاً بیرون از این میاز

تست

این مختصر در مورد طامیحات ما با سازمانهای انقلابی
کافی است. با همه آنها میاهدین خیال می‌کنند رشدی
کردم اند. از زیر همه آنها در رفتند و توضیحش را
نهر ضروری * دانسته و در عوض متوسل شده اند به گفتاری
کرد معمولی که تصور می‌شود میاهدین هنوز جبهه هستند.
به بد. ولی آقایان رابطین میاهدین که سخن ما را
تصرف می‌کنند و میگویند که ما گفتیم اگر دیگران چنین فکر
می‌کنند * مگر ما عربی هستیم که خودشان را با این ترازو
که کسی برداشت کرده است به او معرفی کنیم؟ آیا برآیند
شرم در ناموس شما جانی ندارد؟ آیا همین شما
و همراهِ جانی و پروایر هان بیعتی در تلنگر و فصلی رابطه
همه این سازمانها معرفی نکردیم؟ آیا این است "وعدان
گونیستی" جدید الا کسب شما - و اشال شما؟ می‌گردیم.
اما بگذریم برای راستی و بعد از "موزی" خود اینسرا
میگویم که آری - بودند کسانی که بعلمت کمتر دگی فعالیت
ما فکر می‌کردند سازمانهای داخل عضو جبهه هستند -
بودند کسانی که فکر می‌کردند ما بعلمت سیاسی (و نه دانش

مبانی ۱) و اهداف این بخش نظامی یک سازمان واحد بود. آنها را با نگرشیم . فعالیت مشترک ما و اهداف این شبهه را در آذهان من افکاشی بتوانست بگوید آورد . ولی نظائر این افراد کسانی هستند که افکاشان از ایران در آن حد است که خیال میکند همه این سازمانها و منطقه جبهه هنو گلد راسیون هستند ؟ خود مشاهده ها بار این حرف را تنهید دادند . و من در این هم تشدید دادم برای ما نقل کردید . آیا اینکه در موردی در ذهن کسی که از ایران با سازمانهای اسپی شنیده است چنین فکری ممکن است پیدا شود مگر من با هشتم یا گلد راسیون هست ؟ مهم اینست که افرادی که ما با آنها دیدار می کردیم با آنها ارتباط داریم چنین فکر نکنند نه طلاق خود جایی با این اطلاع و اینرا شما خوب میدانید . و اگر جز این بگویند دروغ میگویند . که افرادی که با ما دیدار می کردند یا شما تجاس دارند چنین نمی اندیشند . و وای به حال شما که لا اقل در مورد تمامیه های خودتان روشننگری نکردید . چه قدر معصوم . و عواظی .

بمحاسبت نیست که در اینجا اشاراتی کنیم که معنای

۵۴

اصطلاح تحمل وارونه به همین معنی شود و آن اینست که در چندین مورد . لا اقل در چندین مورد گفتا فهمیدیم . برآیند میانه بین قبل و بعد از تغییر ایند پولوی و نه تنها در روابط خود را جبهه طی معرولی کرده بود . بلکه حتی در مواردی که آگاهی حاشری بود جمعیتها استقامت داشتند جدی ایجاد کنند (و کرده بود) به خاطر هم نداده بودند . و تنها بعد از مطلع شدن ما انتقاد از خود کردند . ما در ارتباط با سیر طلی شده آنرا ذکر میکنیم که در ارتباط گرفتن اطلاع از تمامیه ها بقوت امان عرب رفیق مسئول میانه بین شما با این اتحادیه تعالی گرفت . و رفقای بتازگی دستگیر شده (۲۴ نفر) در ایران را طریق جبهه طی خوانند . به عنوان تعیین جبهه طی ایران سخنرانین کرد با همکاری فتح اطلاعیه های بزبان عربی به همین عنوان با نگر بصورت جبهه منتشر کرد و معنی آن اطلاعیه را می دادند . و البته ما هنگام چاپ این اطلاعیه در باختر امروز شماره ۲۰ (۱۳۵۰) این قسمت را حذف کردیم . اگر میانه بین هنوز از روی نمایان تحمل وارونه میزدند ما محتوایم با ذکر اسم و مشخصات و تاریخ و محل به خاطر ایشان کلمه میمانیم.

۵۵

ما اگر بخواهیم به تله تله دروغ های شما بیرون از بهانه در جواب معصومه نوشته شما معصومه بنویسیم . چون اعضای یک دروغ عینی بیشتر از خود دروغی که میزنند جا میگویند . و ما نه فرست معصومه نوشتن را داریم و نه باین راهی که شما پیش پای ما برای انصراف از مسائل اساسی تر میجهد می افیم . و بنا بر این . به ذکر چند نکته در هر زمینه میمند میکنیم .

ج - تماس با حزب توده .

ما این مسئله را در اطلاعیه ای که در اول اردیبهشت داده بودیم ذکر کردیم و نیز نوشتیم که میانه بین تا زمانی که بجز این اتهام را پس نگیرند ما " آنها را بختوان گذاشتن بی برسیب و شاید سازان سفید طلی خواهیم کرد " و بنا بر این درست بر خلاف حدنی که میانه بین از وارن آوردن این اتهام ارتد تا بدینوسیله نگار باری به سایر ارتباطات خود بزنند . به هرگز بنگر تا به تبراضی شود . در این مورد بحث را در لکیم . ما نظر خود را نگار نسبت به حزب توده داده ایم . و اگر این شیوه میانه بین است که خود به سازمانی داعیه خطه کنند ولی نگار گسترده های

جولرد در نگار استفاده از نام جبهه را (چون خوب با صد بگول مرکزیت جبهه ها فدائی خلق " ما مشکل و محاسبیت شویت در خارج و در بسیاری از مجامع و مسائل دارای امکانات و نفوذ " بودیم) بد انجیمت که طلی نداده است ذکر نمیکنیم . سر بسته میگویم که این موارد پس از تقسیم باید بود . لوی میانه بین حالت رفتننده بخود گرفت .

حتی که یک شلاق تغییر ایند پولوی به بخش خارج از کشور آنها رسید . مسلوبین " کارگرسیت " افراد خود را به نام سازمان ما و به " استفاده ریا کارانه از نام ما و در کشوری جمع کردند . آنها را به شلاق ایند پولوی زد کشیدند و زمانی که ما خود شدیم " معدرت " خواهی " کردند . در این مورد و موارد دیگر اگر میانه بین فراموشکار شده اند . ما قریم خاطراتشان را باز دقیق مددکار داریم . تا همه و منطقه اعضای از آنها که خبر ندارند میمند که حکام گشت .

و حال از حدید کارگرسیت ها میرسیم کجا میسریت که دروغی به این بزرگی بگویند که اینگونه افشا " میرید از با اینکه افشا " مدر کارگران و اشتراک عمومی برایان مهم نیست و در این صورت آیا نگار شما قابل تا " مل نیست ؟

۵۶

۵۷

هم با آن داشته باشند، این شیوه ها نیست. این شیوه را که فقط می‌توانست با افسانه‌های باطنی و باطنی‌ها، می‌شدند محمود درویش بر میگردد. تنها این را می‌گوئیم که نه تنها ما، بلکه همه مردم از مجاهدین دلیل می‌خواهند. و نه تنها ما بلکه همه مردم حق خواهند داشت در صورت قاتل آن دلیل‌گانیها را کذاب بگویند. و ما از آنها می‌خواهیم که روشن کنند که چرا با آنکه ما یکسال تمام با آنها فشار می‌آوردیم که حقیقت تمام حزب بوده به آنها خودمکوری کنند، آنها بطر می‌خواستند و می‌گفتند "حزب بوده و می‌تواند دارد. کسی که می‌تواند حزب بسازد!"

هنگامی که اخیراً همه‌ای در خارج از انتشارات قریب التوسوع این جزوه مطلع شده و تصدیق درونی‌ها و انتباهات آن افراد گرفته و از آنها دلیل خواستند، مجاهدین با آنها گفتند "ما می‌توانیم بیرون آید، شما که نبودید" اگر چنین است، ما در عین شما "مجاهدین" فقط به انتساب صفت "انتقام زندگان کذاب" قماربست نخواهیم کرد. آیا تمهید می‌کنیم؟ شاید اولی خاطر جمع باشید به شایع قبول می‌شویم. اما ایاتان می‌کنیم از تمام حیات.

پیدا می‌شود. می‌توان نمونه‌ای از دلائل و تضادها را در "سازمان حشرات نقل قول" پیدا کرد. آنها در "نقد بر مجاهدین" جازای ایرانی "مجاهدین" و پس از آنکه فرض را بر این قرار می‌دهند که مجاهدین کذب و از سازمان ساختار این جنایت "جازای ایرانی" حمله می‌کنند. و پس از گفته است "موج مارکسیستی" مستقل از جازای این دولتی که دو صورت بزرگ کمونیستی، به شکل خاصی در صفت روشنفکران پیشرو دیده می‌شود. "مجاهدین" بقول خود از این حمله "راحمه مشایخ خطر" را احساس می‌کنند و می‌توانند که چنین ادعایی بر "میزبندی اصلی و تعیین کننده" ... این مارکسیسم - اینیسم اصلی و انقلابی از یک طرف و ترهات و بی‌بهره‌ی داری و بسته خروشان حاکم بر شهری ... برده خاموشی و قتل افکند است. البته این قدم می‌شود، "و در واقع این حقیقت و همراهی اینجاست با اینیسم، مسلماً نمی‌تواند آنها در شهری مادر زمینه اصول تئوری و سیاسی باشد. بلکه حتماً پایگاه ملی داشته و از منافع انحرافی طمع می‌تواند بیعت می‌کند."

یعنی منظور مجاهدین هرگز گفت می‌شود مستقل از دولت

بود و او را رد کرد. یعنی هر دو این بر سر می‌آید. حتی "زیر چنگ" طرفداری از انتباهات و این طرفداری هم‌چنان "پایگاه ملی" دارد. یعنی آن راسته است و بنابراین همکاری گسترده‌ای با آن دارد. خاک بر سر این قائم‌الیم. "آبروی مارکسیسم که هیچ آبروی انسان را هم میرسد."

۴ - مطالب مربوط به سازمان چریک‌های فدایی خلق در مورد این مطالب، خود تدائین هنگامی که ضروری به آنکه توضیح خواهند داد. این بعدای آن نیست که ما در مورد کم و کیف باره‌ای از مطالب اطلاع‌دهنده این چنین نیست. خود داری ما از توضیح و در موجدانی است که بر خود خود چریک‌ها را ضروری می‌کند. ما پس از اظهار نظر چریک‌ها، اگر هنوز نکته‌ای روشن باقی بود، ابراز نظرسر خواهیم کرد.

۱ - گروه کمونیستی در پروسه تجانس و ادغام با چریک‌ها موضوع ما در این مورد نیز مانند مورد بالاست. صحبت‌ها در نکته را باید در رابطه با آن ذکر کنیم اول اینکه این گروه بخاطر روابطی که با مجاهد داشت از پروسه ادغام خود

با چریک‌ها، سازمان‌های حبیبه را مطلع کردند بود چون پروسه ادغام در چریک‌ها و ادغام فعالیت شخصی در حبیبه تا زمانی که این پروسه کامل نشده بود نباید انداخته. نکته دوم اینکه این گروه در طی ماه‌ها از خبر به سازمانهای حبیبه اطلاع داده است که به دلیل عدم حل اختلافات تئوری و اسلوب عمل با خدائیان و نیز به علت

آنکه از نظر تئوریک و عملی می‌تواند از داخل اختلافات خود جدا شود و کاملاً مستقلی داشته‌باشد و خود را مستقل اعلام خواهد داد.

۵ - حیثیت مجاهدین - شیوه عمل آنها

طبیعی است که تشکیلاتی مانند این دولتی که این سازمان به جهت هم نیست. گروه‌ها و سازمانهایی که درون خود وحدت این دولتی دارند و این مورد اظهار نظر کرد می‌کنند. بنابراین این ما تنها به ارائه تصویری که به ربح یا جمع آوری می‌راند و از اطلاعات چندین مجاهد "تعمید شده" و نیز "بیانیه" مجاهدین و اظهارات مختلفی آنها کامل شده است. و تنها مدعی که اطلاعاتی بیشتر از آنچه که رویم می‌دانند مطرح نکند، ضروری است.

سازمان مجاهدین در ابتدا یک سازمان اینیستی

اسلامی بود که سعی میکرد با اشتقاق از تعالیم اسلام و آموزشها و احکام الهی و فلسفای بنام رئالیسم ارائه دهد. بنابر این فلسفه، در صورتی که به این اشتقاق باشد، این اشتقاق باید نوعی پذیرش و تصدیق و تائید از سوی سازمان و انتخاب اعضا و مدیران و خود را نشان میدهد. با آنکه این اشتقاق از آن واحداً و اولیاً این سازمان نماینده و مدعیان این تئولوژیک داشته اند، اما و عناصر جدیدی از میان انواع گرایشها، هم از عناصر صرفاً مذهبی و هم از میان عناصر با گرایشهای مارکسیستی (بر حسب اینکه با چه افراد یا گروهی برخورد میکردند) و انتخاب میشدند یا این چشم انداز که پس از مدتی این گرایشهای مختلف این تئولوژی، بصورت اختلاف در رئالیسم تجلی مییافتند. در عمل در بسیاری موارد چنین شد و در مواردی نیز مغایرتهایی فلسفی یا مذهبی (به صورت تمکین) به وجود آمد.

سازمان معاهدین با هر گروهی که آشنائی پیدا میکرد ضمن پیروی آنها در خود حل گشت. این امر در مورد گروههای مارکسیست کمونیست خود دارای از بعضی آنها به چهره‌های قدانی بطور مکرر اتفاق افتاد و موجب بروز اشتکالات فراوان شد.

این روش‌ها درون خود به تفاوت داشت بطور کلی بین دوام باید. آنچه در عمل اتفاق افتاد این بود که با شهادت اکثر رفقای مذهبی، کارهای جدید به مرکزیت سازمان داخل شدند بدون اینکه با هم وحدت ایده‌تئولوژیک داشته باشند. هر دو بازوهای عناصر با گرایش مارکسیستی به مرکزیت به دایره انحصار حلقی قدرت به موجب شد که آنها دیگر تمکین را لازم نداشته و در پی تبلیغ ایده‌تئولوژی خود برآمدند و از همان مذهبی را از دست عناصر مذهبی خارج کردند. به عبارت دیگر آنها بقول خود: نهضت را از "بالا به پایین" (۱) در سازمان درآوردند. مقاومت و مخالفت سایر اعضا و رهبران و اکثریت اعضا و سیاستهای سازمان مدتی طولانی داشته و بر عهد الیوم یعنی بالا خیزها تمکین نواجدهند. این موارد در گذشته مورد بحث قرار گرفته است و حتی "جهانیه"، "معاهدین" نیز با همه تشریفات و میان برهه‌های آن به این مسائل اشاره می‌کند و "سیستم" خود را ارائه میدهد. مطابق این سیستم آنها که "مارکسیست" میشدند نمودار مقاومت و دلاوری و ... بوده و مذهبی‌ها نمودار ترس و ترس و ... و ... بودند. برای درجست جلوه دادن این

سیستم مذهبی بود که معاهدین باید می‌گوشیدند. عناصر مذهبی را خائن و ترسول و عموماً بالقوه ابله می‌دانند. در چند مورد برای اثبات این که بالقوه به بالفعل خبیث می‌شود "مطابق این اطلاعات مطلق رسیدگی از رهبران جناح مذهبی و معاهدین شنیده می‌شود که معاهدین باطنی که فعال پلیس معرفی گشتند تا ثابت کرده باشند: هنگامی که رهبر مذهبی‌ها با پلیس همکاری میکند، تکلیف باقی رهبران است. معبدی چون همان‌طور که با اطلاع خود ساخته را می‌دانستند از پیشاپیش اعلام کردند که ممکن است رژیم سیدیه لیاف را با وجود همکاری اعلام کند. آنها یکبارگی باور نکردنی است ولی کردند. و اکنون یکسال بعد که هیچکدام از اسباب ریختن و "سیستم" جای افتاده است این مورد جدا اعلام میکنند که دروغ گفته‌اند و او با پلیس همکاری نکرده است. (پس از مدتی شدن با تئوریات و در زیر شکم‌های آریامهری با پلیس همکاری نکرده است و پلیس "تئوریست و عاشق" است) از جانب دیگر و از بدشاشی "معاهدین" بازوای از رهبران و افراد دیگر بر طبق سیستم آنها باید نمودار مقاومت و دلاوری می‌بودند.

به ادعای رژیم پشت‌راست و تئوریست رفتند و معاهدین هم دلاور شدند و آنها انکار کنند. استادیون مذهبی "سیستم" معاهدین خود را از آنچه می‌شنیدند در هم ریخت. بالاخره آنها با رعایت بازی اقتصادهای پس از ماه‌ها تأخیر و تعویج، بالاخره می‌شنیدند در مورد به تئوریست رفتن با ترفتن این افراد در تشریح خبری گرفتند که گرفتاری بیشتر بود. ابتدا بهرید مخالفین و معاهدین نقش دادند ولی با همه به در و دیوار زدند. "فراموشی" کرده و موبخ کردند و بالاخره به مراجع تگفتند که آنها این افراد پشت‌تئوریست و رهبران سازمان گردانند با "شخصه بازی و ترفتن ادبی" (۲) مانور و هم‌فکران نگار گرفته‌اند که از زیر این جواب‌طفره رفته‌اند. ولی نشد. بالاخره هنوز واقعیت عریض و طویل شد. این برای ما مانند همه دیگران عجیب و غریب است و "سیستم" هم نیست، گویا زبیدی‌اشین باشد: خیانت‌گر و دیرمائی دیگران "سیستم" بود غایت: می‌تواند آنها را برهم زند و موجود افکار این معاهدین معاد را می‌کند که کنار است و بدافراحتی که می‌تواند را می‌تواند. و با وجود آنکه "سیستم" معاهدین خوب است، اعضای این سازمان به رهبر

نقد آئیند که کلیه مکانیات بازار را اختیار آنها قرار دهد با جواب

تاسا، انگیز " اینها بدرد شما نمیخورد " تابع تشبیه - |

بهر حال بازاره اید تئولوژیک در ابتدا بدینگونه شروع شد که " مارکسیست " های بورژوا در دگر و کار را از حوزه های که امکان موفقیت بیشتر در آن میوفت شروع کردند. بدین صورت که بدون ذکر مسئله اید تئولوژیک ابتدا بنام انتقاد و انتقاد از خود کشی مدارک کشی از افراد دال بر وجود ضعف هایی در خود گرفتند . وجود این مدارک کشی در دست مرکزیت جدید پایدان شد برای شروع یک سلسله انتقادات مفرکز " جهت دار و گولنده " . | و همین است که اینگونه روی قواعد انتقاد به بخوانید اربابید تکلیف کشنده پس از آنکه روحیه فرد با انتقادات فراوان تضعیف میشده آهسته آهسته مسئله " ایرادات اساسی اید تئولوژیک " اوردند او گوشزد میگردید و آنقدر این مسئله ادا می یافت که با فرد مسائل جدید را بدینترتبه و تطهیر شود و یا تعیین کند . با اینهمه عین از " روح اعلا " سازمان ته تطهیر شدند و ته تمکین کردند . ولی این اعضا " متزلزل " که یک دیگر را نمی

توانستند پس از خود شدن روحیه " پس از تحلیل تحریفها و دشنام های فراوان " پس از دریافت تشبیهاتی مانسسه خلا از که اثر ترکیه دهده و شفا بخشش در مواردی معجزه آسا بوده است و بصورت تک تک از سازمان اخراج شدند. مانسده انیم شکستانی از دهها " مارکسیست اسلامی " مورد ادعای رژیم که در حال گذشتگیه شده اند و دهها فرد دیگری که بدون اطلاع رژیم دستگیر شده اند در شمار این قربانیان " صلا ی اید تئولوژیک " هستند . " مجاهدین مارکسیست " نیز به تنها از آن شهدا اهلکه حتی از شهدای سازمان خود نیز اسمی نبرند (بجز در موارد معدود) تا قضیه روشن نشود . این تئولوژیست " اخراج شده " که با دعای مجاهدین مد انقلابی بود طبعاً در موقع اخراج جلی بر امکانات سازمان داشتند و اگر مقاومت میکردند و میخواستند امکاناتی را که خود بر لایحه معارف شان فراهم آورده بودند حفظ کنند بصورتی شدت اخراج واقعی و لایق و با حاج چو دچار میشدند .

شناسنامه ها - و پاسپورت های - آنها ضبط شده و بدین دیناری پول (چون پول خلق را به ضد خلق نمیتوان داد) باید خدا راها شدند . حتی مجاهدین بیواری که در

بکار گرفته شد ولی چون در خارج امکانات روحانی و افراد از دست مرکزیت فراهم تر بود (با وجود آنکه عده اندکی را در صحن جمع کرده بودند که خودشان گسور و موافقت رسمی بودند) لاخرم بفر از ۶۰۰ آنها تعیین نگردند اما تقاضی بر این عده کار شیکه لایم صادر شود . نام بفر از دختر پروین الشا گر باشد . بفر ازین هر یک بر حسب میزان دراز و تیره خود برای شیوه کار و ماهیت کسانی که بدان تیسک میجوید نام می نهاند . هر چه هست " کمونیسم " نیست و چیزی ضد کمونیستی تر از آن هم ممکن نخواهد بود . عده و مشتقات است تکرار تجربه تاریخ و انیم تکرار گورباچف و از آن - و چه مشتقاتشند آنها را که ابتدا برایشان مهم نیست . مهم " اثبوت " برستی استی مهم چیزی است که اندام می استخوان خود را بدینها و نیز و مقهورت آئیند که برای توجه باین مسائل صحنی اساسی درستی برای سیاست باورهای حاضرانسه می جوید .

بازار به نیروهای مزدبج و اسیلیم مبارزات رویاروی و دلا بر انتقاد کردند عده نیز از این - بر توشه تشریف آمان میبودند. مؤثر خلق را صرف محالیه افراد شد انقلابی نمیتوان کرد " ما تنها نمونه هایی از این سیستم ارباب و مستثنوی - خنثی بدست و ادریم و نگاریم تکرار اینترتبه اسم چه ممکن است خود افرادی که قصد این سیستم قرار داشته اند تعارضات خود را منتشر کنند - در یک کلام باید بگویم که با معانیها باید به مقاومت استعنا و استعانت آفرین گفت . آفرین گفت که حتی بچیل خود مجاهدین " بفر از " - دعای معاصر داخل کشور و ۶۰۰ در خارج از کشور زیر بار نرفتند و تصامیر ها و تیر و شکنجه ها را بر " مارکسیست مجاهدی " شدن ترجیح دادند . و درود بر آنها - بر باید اوی و دلا برین شان .

ما جریان ادا " بازاره اید تئولوژیک " در بعضی خارج کشور آنها را با وجود آنکه حتی در شهر حید اسم تشریح میگویم چون درست بعلم ذات بیشتر اطلاعات ما - جنبه افشانی آنها نیز بیشتر است . تنها بدگر این نگاشته شده میگویم که این شیوه ها در تعاضت خود در خارج از کشور

تک تک نوشته های مجموعه انتخابیه فوق را از حیاتی باید مورد مطالعه قرار داد. معینا گیت آنها چیزی نیست از جمع ساده تک تک آنهاست. بنابراین هنگام بررسی انگیزه ها و اهداف باید انگیزه های نگارش هر یک از آنها را از انگیزه های انتشار خارجی آنها بصورت یک مجموعه از هم تفکیک داد.

در ابتدا باید توجه را باین نکته جلب کنم که مقدمه انتشار خارجی این مجموعه را ارگان خارج کشوری مشاهده می نوشته است. بنابراین باین سؤال مطرح می شود که چرا "مرکزیت سازمان" مقدمه را نوشته است؟ این سؤال سؤالات دیگری را مطرح میکند و آن اینکه آیا به دلایلی این مجموعه جدا جدا باید ایرانیان درون باشند یا خارج از کشور؟ بصورت دیگر آیا مشاهده می خواستماند داخل کشور را فتح کنند یا خارج کشور را؟ جوابی بطور صریح که روشن باشد.

با همه این باز هم جواب سؤال اول "چرا مرکزیت سازمان"

مردمان کشیم". انتظار جلی بر اینکه این مسئولین در مقابل فشارها و مداخلات داخل سازمان خود بر خیزد کند و بیگانه های خود را ببینند. در "دور از واقع" خواهد بود. با مشاهده انگیزه و هدف در مورد گزارشی این مطالب به داخل در این موارد یکی بوده و نبود بلندی در کار نبوده است. به همین که آنها این گزارشی را برای مرکزیت سازمان و بعنوان مسائل درونی نوشته اند و بنابراین از اثرات جلی حدس و گمان های خود هم ایا نداشته اند. با همه اینها به دو نکته است. به این کار داریم معینا معتقدیم که اگر این مسئولین (گفته) میدانستند که این حدس و گمانها ممکن است بصورت "مقایسه" منتشر شود بسیار سؤالاتی بر خیزد میکردند (لا اقل امید داریم چنین نبود.)

همینطور چون نگارش برای انتشارها بصورت مطالبه نه افکار که از طرف "گروه های آموزش" (!!) مشاهده می برای بحث اعلی انجام گرفته است بر نگارش آنها نیز افراد فوق الصاده نداریم. نه اینکه به مستوا و اسلوب آنها ابراز نداریم. چنین مواردی بلکه حدس می محتوا و شد بر خیزد و

مقدمه را نوشته است "طاهرا ناروقین میاند. البته طاهرا. چون همه خوب میدانیم که قسمی باین مرجع است انتشار خارجی یک جزو صنعت درونی و طرح مسائل اخلاقی باین درجه از وفاداری "ارگان طرح از کشور" نگارش. اگر اینکه بازه ای "تاییدات" درست باشد. بهر حال بسیاری از مطالبی که بعنوان گزارشی مسئولین خارج کشور به داخل کشور نگارش یافته مطالبی هستند که ما با آنها بسیار آشنا هستیم. چون ما در صورت جدلیات قرار داشتیم، مطالبی مانند معرفی حبه بعنوان دربرگیرنده سازمانهای داخل که غرضش رشد "بدر جنبش بودن" یا (درجوع به چهار نامزد بدل شده یا مشاهده می) و غیره. انگیزه این گزارشیها توجه خود (مسئولین خارج کشوری) در مقابل مسئولین درون کشور و توجه ندانم کارها و بی گناهیها (بصورت خودی جلوه دادن دیگران) و خلاصه مثلا برای اخذ اوردن آهر امن مسئله است که چرا پس از چندین سال کار در خارج ۵۰۰۰ نفر عضو نتوانسته اند در منطقه جا بیفتند. این انگیزه زشتی است معینا ما نویسدگان آنها را

دیده نگارش آنها متعلق به کسانی است که بتازگی سادگی را آموخته اند و خود را از نبود بدین ره های بلند ارشد و لهذا برای بهمانستند فکر، فعلا احتیاج به بازی ناشیانه با ابزار جدید الا انگیزه دارند و در همین حال هم می خواهند وجهه جریکها را در میان افکار خود ازین ببرند. همه اینها البته بسیار مکرر است ولی هنوز باید تبیین ایا آنها در موردش باید بسیار اندیشید و آنرا قابل تاقل دانسته ایست که:

- ۱- چه انگیزه ای ممکن است موجب شود که اسم به تشویه تغییر کند تا انتشار خارجی آوا مغایر اراداد همای سازمانی ملودگر سازد. (البته در صفحه ۶۱ قسم از دستشان در رفته و نوشته اند "نشریه بحث در روشی روح سازمان" و له مطابق انقایشان نشریه بحثی دو سازمان، حاشاخانه دم غروب پیدا شد.)
- ۲- انتشار خارجی این مطالب باین صورت ولو اینکه مشخص هم بودند (مصادره!) بنفع کی است. آیا اگر ایمن انتخابات درست هم بودند با این طرز برخورد کسی اصلاح میداد؟ اگر نه:

ج - آیا متلور اساسی " افتاء " جریکهای فدائی خلق و جنبه ملی و ضربه زدن به آنها نبوده است؟ و آیا این امر تا به حد خود را در وارد آوردن و فاطمی کردن انتباهات که ایانه ای برای بیشتر کردن این " ضربه " نمی باشد؟

ج - اگر چنین است باز باید پرسید چرا درست در این لحظه این مسائل مطرح میشوند؟ بنا بر این باید دید تصمیمات این لحظه کدامند.

کفر گسی است که نداند در اردیبهشت و مرداد گذشته سازمان جریکهای فدائی خلق، حاصل یک سلسله تریات تبدیل شد و باز کسی نیست که نداند در شرایط ایران ترحیم این تریات کاری بسیار دشوار است و مدتها وقت میگیرد. میاعدین حتی خود اظهار میدارند که روابطین جدید که ایشان ابتدا از مسائل که شمعکلیع نبوده و اظهار داشتند که فعلا تریات هیچ نوع بحث طولانی را با سازمان آنها ندارد و همکاری خود را فقط در زمینه های تکنیکی میتواند ادامه دهند (و میاعدین نیز خشم و میگویند که با این مسئله موافقت کرده اند) بنا بر این بلافاصله این سوال مطرح میشود که چه انگیزه سیاسی

میتواند وجود داشته باشد که میاعدین ج صام از وارد آمدن این ضربات شدید به جریکها (به تاریخ نگاری تریات خود) میاهدین در تریات خود با آنها باید صورت گرفت بر خود کند. اینظر با هیچ انگیزه ای نمیتواند وجود داشته باشد مگر اصطلاح از تریات مناسب برای تندید ضربه یا بیفایال خود ضربه آخر به دشمنان برای بزانو در آوردن آنها و به برقراری شرایط میاهدین (اگر هیچیک از پیشنهادات ما نمیتواند مورد موافقت شما باشد) (۱۰۰۰) اما میاهدین که بعضی از سدهام از وارد آمدن چنین تریاتی، دست لوی که ایانه و مواضعیانه " وحدت " (۱) شمعکلیع حیات توانیامات سدهام جریکها وارد شود و از آنها که بارها گفته اند اکنون تریات هیچ کاری بجز ترحیم تریات را نداریم، خواسته شود که در بولعیک دنیایه با میاهدین بر سر مطالبی که در مجامع آنها به آمده است درگیر شوند. تا سالی این طرز برخورد موافق روشن تر میشود که بدانیم میاهدین حتی بیش از این از وضع سازمان اطلاع داشتند و میدانستند که بسیاری از

شرایط اند است این برخورد. حمله ناگهانی به اینها که یکسال است بهم برخورد داشت، چهار شرافتند انعطاف و عادت ناند و چقدر آهونده و گشای و بدین ترتیب مشاهده میگویم که ضعیف ترین که اینها از انتشار یک مجموعه مشروط، و برز انهام و تبعیت و مطیع از شایعه سازی و سخن برانگی و در دست در این لحظه که هم رهبری فدائیان هواری شده است و هم رابطه مورد ادعای آنها وجود ندارد، میوسوواقع بدید میگرد. تا چشربتقلب هواری میشود، ضربه طریه جریکها وجود داشته که البته بحساب این مخالات بد انگانه خواهیم رسید (۱) برر یک مجموعه سرهم بندی میشود و در خارج از سازمان برای استفاده عموم (۱) در ظاهر با ستارگان خارج کشور و عطفتر میگرد. اگر اینها انگیزه ها و حدهای بلند نیست اگر اینها سود گری یا سرنویشت انقلاب نیست، و بلعیدی و سود گری بد سعتهای دیگری میتواند داشته باشد.

و باز البته همه اینها تصدیق شعار " وحدت " اشتیاقی زاده توصیف برای همکاری با " همه نیروهای خلقی " در " جنبه واحد خود ای "، رهی گشای؟ تیانه را در

تعیاس ها قطع شده و بسیاری از مدارک سوخته است، و البته تمام اینها هم تحت پوشش اشتیاقی عزرائیل وار به " وحدت " بحث و تشکیل " جنبه واحد خود ای " ارائه میشود و بدین جهت است که برای اشتیاقی ها قابل تعمق و تأمل میشود. اما تنها مشخصه این لحظه ضربه وارد به جریکها نبوده است. مسئله دیگر، انگیزی میاهدین از ایجاد اشتیاقی در بروسه اقدام گروه کمیونیستی فوق الذکر با جریکهای فدائی خلق و قطع این بروسه بوده است. بلعتر آنها اکنون آن عار عقلانی که این گروه در مقابلشان ایجاد کرده بود معکس است برداشته شدنی باشد (معکس است) جد شدن این گروه و جریکها از هم، ضرور را ضربه زدن تر میگرد و از امکان دفاع آنها از یکدیگر میگذرد، چه طلاق است این فرصت، ولی در همین حال خائنه بافتن بروسه فوق الذکر ناراحتی جدیدی برای میاهدین بوجود میآورد و آن این است که دیگر حمله به جریکها با اتهام اقدام باجیبو بی معنی باشد (۱) بنابر این " ناد برتند " و گروه باجریکها مسئله را علنا اعلام نکرده اند باید مطالب آماده شد معتمد حیدر، باید این " آتو " از دست نسیروفت و چقدر

شکایت می‌کنیم که در حق را بالای حوت می‌گویم تا با من دوستی و همکاری کنی . و بعد از گش . و جنبه واحد شود . ای بسازی .

۷ - نقش العمل افادات مجاهدین

در مورد آنچه که در اثر "نگاه اید دولوی" مجاهدین و نحوه برپاورد آنان با مخالفین در ایران و خارج انقلاب افتاده است احتیاج به توضیح چندانی نیست. در داخل کشور در کنار ایجاد اشتغال عمومی، این شاید وجود دارد که تنها گروهی که از نگاه اید دولوی "مجاهدین استیصال" کرد و با آنها رابطه داشت ولی شعار "جنبه واحد تودائی" آنها را نیز بدست گروه میروس نهادند. ی بود آن‌ها به حرکتی مقرر اظهار شد در جریان این امر بود داشت که ضرباتی به مجاهدین وارد می‌آید و مجاهدین اعلامیه معروف خود را در مورد میروس نهادند می‌دهند و در آن اشاره می‌کنند که این مخالفین ضرباتی به "جنبه" زد و استیصال است می‌گویند

به مجاهدین چون جنبه تعارض آنها آشکار می‌شود، بهر حال این جنبه است که ما شنیده ایم، از اینکه میروس نهادند ی میروس استیصال نه نیز انقلابی نداریم و برای مجاهدین هم بدین ی خود تاثیر دوی به هیچ اختاری داخل نیست. — مجاهدین بدانیم که میروس و مخالفین خواندن مخالفین جنبه مجاهدین است. مصداق تکرار می‌کنیم که ما خود اید اطلاع و نظری در این مورد نداریم. ما این نظری را نه تأیید و نه رد می‌کنیم، تنها به مجاهدین یاد آور می‌شویم که شما وظیفه دارید دلائل واقعی این اعلام را مشخص کنید یا نه دارید، هیچ‌کس بهر صورت برستان افراطی به وجود بودن این‌ها تجربه منق از تفاوت و اهداف شما و برستان را استیصال نخواهد بد برود. بنابراین شما وظیفه دارید که اگر به مسئله اظهارتان دارید مردم را قانع کنید شما به دیگران خبره وارد نباید .

صرف نظر از مورد فوق و مجاهدین با دست رد می‌دهد واحد بوده اند (البته بهر چند آفتاب پرست "سیاسی" و مارکسیست نیست)، در خارج کشور و به اختیاری جز این . انفراد و استیصال حاصله مجاهدین عامل تسریع

از دانش آفتاب و پوشش برای اشتغال خود می‌کنند . و این را همرا "راه نوار" نمی‌گویند . راه نوار از خود . و از بیگانه‌های خود .

۸ - وکالت میروس‌های مجاهدین

البته این است که در مقابل این مسائل هر نیرویی بر حسب موضع و ایدای خود اظهار روی می‌کند. یارهای این روش‌ها را اساساً درست و مفید، بر روی خود می‌بینند. یارهای آنها را با همرا نادرست می‌دانند و این حاضرند به لحاظی به آن تن دهند و تمکین کنند. و یارهای این گروه را مردود دانسته و با آن مبارزه می‌کنند. و شاید هر کس را میروس و پیش خود او همین می‌کند . مصداق ما بنابر وظیفه ای که بر دوش خود احساس می‌کنیم و این مسائل پیش روی در راسته با چندین سال کار نزدیک با سازمانهای ایرانی و خوارباری و کمیته‌های ایران و جنبه بدانیم . لازم می‌بینیم که به کسانی که مخالف این نوشته آنها را به تفکر واداشته است حشد از برای به هم :

گفت میروس‌های نامفید از سگاریش آنها و سگاریسم و برپاورد ها و مواضع غیر انقلابیانه افراد، بیشتر و استیصالشان بوده است . این مسئله را خود می‌روشن می‌دانند و به همین جهت است که با رویه ای "نگاه انقلابی" دارند بودند و هستند که اگر شرایط آنها و مسئله جنبه واحد تودائی ایشان بدرفته شود از آنها گریز می‌روند! رویه "نگاه انقلابی" و البته به خود اگر اندک اما کسی این شرایط را نپذیرفت.

بهر حال بنظر می‌رسد و جلا هم این شد که برای مجاهدین راهی برای خروج از این بن بست "بین گل آلود گریزین آنها" مانی نباشد باشد . وجه زیبا گل آلود کردند : وقتی همه چیز و همه کس مورد حمله قرار گیرد با تنها نخواهیم بود و ممکن است راه خوی پیدا کنیم!

و این "راه نوار" مختصراً هم برای مجاهدین پیدا می‌شود و هم برای آن بی لیاتان طرفی که هیچگاه قادر نشدند در یک تشکل سیاسی دوام آورند یا تشکلی می‌سازد بوجود آورند. و لازم به همه سازمانهای سیاسی دشمن بودند - و بشر - انجمنه دالعل "را سابه مانی برای نوار

سخت‌ترین راه جلوگیری از ادامه شیوه‌های زشت و ضد انسانی، روشی جهت جلوگیری از شنیدن آنهاست. اگر کسانی مانند که برای رسیدن به اهداف خود به هر شیوه پلیدی، تحویل شوند، نصیحت نماید و تذارت و ممانعت را بشنوند در واقعیم باید راه وصول آنها به آن اهداف را سد کرد. شاید گذاشتن که "شیرینی" آن بدعانتان موه کند. و البته این وسیله مدتی مدتی می‌ماند آن میشود اگر این اهداف بخودی خود نیز اهداف نامعنی باشد. اهدافی باشند از قبیل برانوردن (و نه مبارزه اصولی) یا سازمانی که مورد برادرش بوده است، اهدافی باشند از قبیل وارد آوردن اتهام و تحقیر مخالفین سیاسی خود، اهدافی باشند از قبیل تحریک واقعیت‌های چنین (۱)، اهدافی

(۱) - "می‌باشد بین کارگرمیت" در تاریخ (۲۶) از ما خواهند که "هنگام تحویل از شهرداری سازمان می‌باشد بین خلق در راه بین برستان (برنامه) شهادت (از مشکلات مذکور) آنان که می‌باشد بین که البته شهادت و گناه از طرف ما وارد شد!" می‌باشد بین

باشند از قبیل همین عالی (و نه همان تعریف‌های) چنین صلح‌نامه، اهدافی باشند از قبیل آوارگی و روش‌های این به انقلاب برست‌ها و بولشویها و دشمنان با سابقه جاریه صلح‌نامه، اهدافی باشند از قبیل راجع کردن، سرخ و تهت و انبساط برای از بین بردن انصار صید... و این‌ها، این همه اهداف زشت است و ناشایست و ناپسندیده است. و علاوه بر آن برای ابراهیم آن "شیرینی" همیشه، لا اقل اینها به اطمینان می‌گویم که ما نخواهیم گذاشت چنین شود و در این راه صلح‌نامه نیز نخواهیم بود. در مبارزه با زشتی‌ها و پلیدی‌ها و عیارت‌ها بسیار به سرعت پیش می‌رویم. انفرادی شرکت نخواهیم داشت و هر کس نیز راه مبارزه اش

کارگرمیت" توغذاتان خیلی کم است. پس از گرفتن سازمان حقیقت برانوردن و بدیع وادگان‌ها... دوست گرفتن این‌ها می‌باشد. "برای این" حق ندارد هر چه می‌خواهد بگذرد. (۱) اشاره به مصروفیت‌ها، نامه

مورد وثایق‌های ضد انسانی آنها با تدائیان بدعیم آنها باید اکنون از امانت‌ها انسانی که اخیراً برای گرفتن بود و گرفته اند و ملاقات این‌ها مصدق بهر دشمنان و تلافی‌های من در انجام و... اینها افتادیم؟ آیا می‌باشد مشروطاً می‌گویم که چه کرد فاند و یا همه اینها هم اکنون حاضرند یا ما در راه می‌کار کنند (۱)

جواب هرچه باشد باید ثابت خواهد کرد. ما تنها یک نکته را در پایان اضافه می‌کنیم و آن اینست که امید داریم که همین سرخورد ضروری ما با عیارت‌ها و تحریف‌ها از جانب می‌باشد و افتاد این‌ها به هر چه هم در کوتاه مدت و هم - و بخیر - در دراز مدت دفع چنین انسانی ایران باشد. به گمراهی‌ها و اشتباهات و آبروهای که با عیارت‌ها به بین و بی‌وفایی خود هر چه از آن‌ها می‌روا (۱) را آوارگی می‌کنیم. شرف - انورته‌ها - می‌پندارند از این‌ها و عیارت‌ها و عیارت‌ها می‌باشد - ضرورتاً در واقعیت‌ها می‌پندارند از این‌ها و عیارت‌ها را تاکیه کرده باشند و برای آنها می‌گویند که شخصیت دارند و انسان اند اما به فعل انسانی بدون کسب اجازه - و چنین طبعاً هم حیل - انورته‌های انحراف‌گر را نشان داده باشند

را پیدا خواهد کرد. به هم خودترو بر حسب توانایی‌های و ما با همه ممکن بودن گرفتاری ناتوان می‌شویم - و اینها می‌باشد بین نتیجه می‌باشد.

همیشه است بگذریم آنچه در این موارد می‌باشد که:

ما به بسیاری از اتهامات می‌باشد بین و تحریف‌های آنان در این نوشته جواب داده‌ایم. به عیانت‌ها که گفتیم جواب به همه آنها هم فرصت بیشتری از آنچه ما داریم می‌خواهد. هم لا جرم مسائل اصلی را مطرح می‌کنیم و هم اینکه در موارد اساساً از روش جواب دادن ندارد. آیا می‌شود باید ثابت کنیم که قبل از شروع مبارزه صلح‌نامه در ایران به ظاهر صافه رفته و مخالات جنگ چریکی شهری را می‌شویم چگونه آنان تشاور انشعوبان خارج شود که می‌باشد از بعد نفع از مبارزه صلح‌نامه (آیا باید تاریخچه و واقعیت سازمان ما با آنها و اظهارات می‌باشد غیبت و سوءتفاهن نام و به آنها یادآوری کنیم آیا باید توضیح فراوانی در

و بدین ترتیب عزم‌ها را در مبارزه با نادرستی و زشتی - در هر مقام و موضع و بخصوص در میان صفوف مبارزین - راسخ‌تر کرده باشد. ما ایمان داریم که چنین خواهد شد.